

# کارگران و بازنشستگان، تاوان اشتباهات دولت را می‌پردازند

دبیرکل خانه کارگر:



**یک درصد از تعهدات کارفرما و دولت در برنامه توسعه کم شده و به تعهدات کارگر افزوده شده است. اینها ضربه‌هاست و ضدهای صندوق است**

کرده و طلب‌های ما را تسویه می‌کند. ما معتقد نیستیم بدهی دولت به تامین اجتماعی ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است. باقیمت‌های جدید این رقم با همین شتایی که در همین دوره در ارزش پول داشتیم، بسیار بیشتر از این است. در زمانی که تعهدات دولت به صندوق‌ها در حال ایجاد بود، ارزش این پول ۱۳ تا ۱۴ برابر امروز بود. ارزش تعهدات از آن زمان باید در عدد ۱۳ و ۱۴ ضرب شود و داده شود. به‌هکاز از کی حق دارد برای طلبکار و بدون رضایت و مشورت تصمیم بگیرد؟ ارزش واقعی بدهی باید محاسبه شده و داده شود یا حداقل ارزش آن محاسبه شود و تعهد شود که در یک زمانبندی داده می‌شود. دولت حتی حاضر نیست بنویسد که خودش متعهد به این کار است.

سو دولت وقتی کارگر یا کارمندی مسکن تهیه می‌کند، بهره بانکی وام او را مرکب حساب می‌کند اما وقتی کار به صندوق‌های بازنشستگی می‌رسد، سیاست دیگری پیش می‌کند و پولی که سال‌ها قبل بدهکار شده رانه با ارزش واقعی آن بلکه با ارزش همان زمان یعنی اصل پول را هم به صندوق‌ها نمی‌دهد. ادعای اینکه در برنامه دولت الزام به تسویه بدهی شده نیز از جنس برخی فرمایشات نمایشی است. قصد آنها این نیست که مشکل را حل کنند.

**بازنشستگان و صاحبان تعهدات کارفرما و دولت در این برنامه کم شده و به تعهدات کارگر افزوده شده است. دو درصد از درآمد‌های سازمان بر داشته شده و یک درصد به تعهدات کارگر افزوده شده است. اینها ضربه‌هاست و ضدهای صندوق است. در خانه میزان، حرمت رانگه‌نداشتن امر بسیار مذمومی است. برخی از سیاست‌های دولت در این برنامه مصداق فحاشی مهمان به صاحبخانه است. آیا درآمد کارگران اضافه شده که دستور داده می‌شود سهم حق بیمه کارگران بیشتر شود؟ لابد کارگران بسیار ثروتمند شده‌اند که هم سن کارشان بالا رفته و هم سابقه لازم برای بازنشستگی شان افزایش یافته و هم سهم‌شان از پرداخت حق بیمه!**

**نه تنها «توسعه اجتماعی» مدل توسعه مدنظر در این برنامه نیست بلکه اصلاحات پارامتریک، برنامه‌های ضداجتماعی و علیه نهادهای اجتماعی و کاردهای اجتماعی تنظیم شده است.**

بانک‌ها توصیه می‌شود که شرکت‌های کارکنند اما خب چه کسی به این توصیه عمل می‌کند؟  
**اصلاحات پارامتریک و سنج‌های در صندوق‌ها عم از بحث سن بازنشستگی را چگونه از بابی می‌کنید؟**  
در باره اصلاحات پارامتریک بارها گفته‌ایم که اگر اصلاحی در این حوزه انجام شود از جیب بازنشستگان است. ابتدا باید دولت را اصلاح کنیم. یکی از مواردی که در برنامه هفتم توسعه آمده، برعکس این قضیه است و یک درصد صدق بیمه دولت کاهش یافته است. سلب مسئولیت و فرار از مسئولیت که در قوانین بالادستی ثابت محکوم است، صورت گرفته است. چرامعافیت‌هایی که قبلاً در حوزه بیمه‌ای به کارفرمایان داده شده، ادامه پیدا نمی‌کند؟ نه این معافیت‌ها ادامه پیدا کرده و نه تعهدات ربالی دولت به صندوق‌ها بابت معافیت‌های کارفرمایان پرداخته شده است.

وقتی دولت با سیاست‌های نابه‌جا باعث افزایش کسری صندوق‌های می‌شود، در پایان می‌گوید صندوق در آستانه ورشکستگی است و حالا باید سیاست‌ها و اصلاحات تعدیلی انجام دهیم. در مقابل می‌گوییم اگر صندوق فقیر شود، منتهم آن دولت است. دولت با چه استدلالی اختیار بیمه‌شده را می‌گیرد در حالی که فرد بیمه‌شده با شرط قوانین موجود در باره پارامترهای صندوق‌های بیمه‌ای، خود را بیمه کرده است. کجای شرع و قانون این اجازه را داده قانونی که بر پایه پول فرد بیمه‌شده است را در حالی تغییر دهد که به فرد بیمه‌شده تعهد دادید که پول حق بیمه‌اش را به نحوی که قبلاً ذکر کردید، اداره کنید؟ دولت با اصلاحات پارامتریک به افرادی که قبلاً با آنها در رابطه با بازنشستگی و حق بیمه‌ای که دادند، عهد و قرارداد بسته و حالا می‌گوید که شما به‌عنوان شاغلی که ۳۰ سال کار کردید، حالا باید ۳۲ سال کار کنید.

**اگر سن بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور افزایش یابد، یعنی دولت برای جان انسان‌ها ارزش قائل نیست و مجادله بر سر پول است**

نکته دیگر اینکه برای برخی اقسام بازنشستگی سن گذاشتند. مگر کار سخت و زیان‌آور تابع سن است که برای آن سن بازنشستگی تعیین می‌کنید؟ اگر این اتفاق درباره سن بازنشستگی مشاغل زیان‌آور بیفتد، یعنی دولت برای جان انسان‌ها ارزش قائل نیست و مجادله بر سر پول است. دولت به‌عنوان بدهکار می‌خواهد همه چیز صندوق‌ها را به دست بگیرد، باید بدهی خود را صفر

تصمیم بگیرد؟ اگر توصیه‌اش شادی است که نباید این توصیه‌ها را جدی گرفت زیرا علیه صندوق‌ها است. اگر منظور دولت خیرخواهانه است، باید بگوییم که این شرکت‌های تابعه در مقابل بدهی دولت به صندوق‌های بیمه و به اجبار واگذار شده است. زمانی که دولت دید اگر شرکت‌ها را بفرود، مبلغ فروش ارزش‌تر از آن مبلغی بوده که به صندوق‌ها بدهی دارد، صندوق‌ها را مجبور کردند در مقابل بدهی‌هایی که نمی‌توانستند بگیرند، این شرکت‌ها را در یافت کنند. البته اگر شرکت‌ها فروخته وخته می‌شود، بعداً دولت خود اتهام می‌زد که فروش ناشفاف بوده و به افراد آشنا و بارانت به صورت ارزان فروخته شده است. حالا باب شده است که به واگذاری‌ها و شرکت‌های فروخته شده اصطلاح «خصولتی» هم می‌گویند. دولت حتی مدل‌های خصوصی‌سازی صحیح در دنیا را هم نمی‌داند. در سرمایه‌داری نیز گفته می‌شود که اگر شرکتی مالیات داد و تابع قوانین تجارت بود، شرکت خصوصی



است. حال فرقی نمی‌کند مالک آن دولتی‌ها باشند یا خودبخش خصوصی! بنابراین، اینکه دولت درباره مالکیت و مدیریت شرکت‌های تابعه سخن می‌گوید، به سبب اجرای این برنامه مواخذه می‌مجازات کنیم!  
در شرایطی که دولت برای رسیدن به اهداف برنامه‌های خود را مواخذه نمی‌کند چرا به جای خودش، کارگران و صندوق‌های آنان و بازنشستگان کشور را مجازات می‌کند؟ سخن ما این است که اجرای برنامه توسعه مشروط به قوانین زیردستی است و نه قوانین بالادستی! معمولاً برنامه‌های توسعه جنبه امره ندارد یا نمی‌تواند داشته باشد زیرا جنبه امره دادن به احکامی که به فقروا بیمه‌شده‌گان ربط دارند، هیچ موضوعیتی ندارد.

تکلیف کردن به صندوق‌ها نیز اقدام صحیحی نیست زیرا صندوق‌ها متعلق به دولت نیست بلکه دولت در حال اداره آن به نمایندگی از اشخاص است. اگر دولت مدیر امینی باشد تنها می‌تواند امانت را به نفع صاحبان اداره کند. اگر دولت غیرامین‌دار باشد، باید صندوق‌ها را به خود صاحبان‌شان بسپارد. دولت چه‌شان و جایگاهی دارد که در مورد هیات مدیره شرکت‌ها و اموال صندوق‌ها

قرار دادن ۵ ساله میانگین برای پرداخت مستمری با این میزان تورم، دست‌درازی به حقوق کارگر نیست؟ این تقسیم ثروت نیست بلکه سرقت از جیب بیمه‌شده است.  
قرار نیست برای سیر کردن بخشی از فقرابه خیابان رفته‌واز جیب مردم به زور پول برداریم. مگر مردمی که شما برای مشکلات خودتان مستمری‌هایشان را کم می‌کنید، دریافتی و درآمد و ثروت بالایی دارند؟ قاطبه کسانی که در داستان همسان‌سازی مشمول اجرای این سیاست شدند، اقلیت کوچکی از بازنشستگان بودند و تنها یک پنجم آنها مشمول شدند. ورودی صندوق با این سیاست‌ها کوچک شده و صندوق‌ها از نظر مالی در آستانه ورشکستگی قرار می‌گیرند.

مطمئن‌با حمله به جیب بیمه‌شدگان و سیاست‌های ناکارآمدی که در پی آن می‌آید، کارآمدی ایجاد نخواهد شد.

**در این میان بحث خصوصی سازی شرکت‌های تابعه صندوق‌های بازنشستگی و عرضه آنها در بورس نیز مطرح است زیرا دولت مدعی است مدیریت مستقیم دولتی بر این صندوق‌ها باعث ایجاد مفاسدی شده و در برنامه هفتم تصمیم بر تغییر شکل مدیریت دولت گرفته شده به نحوی که صندوق‌ها تنها از سود سهام خود در این شرکت‌ها استفاده ببرند. قرار است ۸۰ درصد شرکت‌ها در پایان برنامه هفتم چنین شرایطی را داشته باشند. آیا اجرای چنین طرح بزرگی ممکن است؟**

بنده متوجه نمی‌شوم که در پایان قرار است این برنامه جنبه ارشادی داشته باشد یا جنبه مولوی! اگر جنبه مولوی و اجباری داشته باشد، باید با دولت‌هایی که معمولاً به تخریب و پیش‌بینی شده در متن برنامه‌های

توسعه نرسیدند، چه کار کنیم؟ وقتی کاری نمی‌شود معلوم است برنامه جنبه ارشادی دارد و قرار نیست هیچ کس را به دلیل عدم اجرای این برنامه مواخذه می‌رود؟ درست است که افرادی حقوق نجومی را با سوءاستفاده در دو سال آخر که میانگین آن معیار پرداخت حقوق و دستمزد است، واریز می‌کنند و به این ترتیب به منابع سازمان تامین اجتماعی ضربه مهلک وارد می‌کنند اما قاعده روشن است. ما حق دست‌درازی به حق الناس نداریم و باید مشخص شود براساس چه قاعده‌ای در قوانین صندوق‌ها از نظر بدهی و طلب هر صندوق، باید سنجش شود. دولت هم باید ببیند که کسری‌های صندوق‌ها را جبران کند تا بتوان صندوق‌ها را یک کاسه کرد.

البته ما با سیاست صندوق واحد مخالف نیستیم اما بابت تیبات فعلی دولت برای ادغام آنها مخالفیم. برای مثال چرا نباید بیمه‌افراد تحت پوشش کمیته امداد ذیل صندوق بازنشستگی کشوری انجام شود که منابع آن در اختیار دولت است؟ در صندوق‌ها که منابع کارگران و بازنشستگان کارگری بخش خصوصی جمع

می‌شود و استفاده از منابع آن برای مقاصد دولتی شبهه دارد، یعنی سازمان تامین اجتماعی، نمی‌توان درباره هر یک ریال آن بدون مشورت با صاحبان آن صحبت کرد؛ آن هم در شرایطی که دولت به این صندوق بدهکار است و تنها به جبر مجلس و مصوبات آن بخشی از آن را اسانه بر پرداخت می‌کند. در چنین شرایطی چه دلیلی دارد که دولت شرط حداقل حقوق بگذار و تعهد به پرداخت را برای صندوق هم ایجاد کند؟ آیا این اقدامات به تسکین فقر شدید یا فقر مطلق می‌انجامد یا آن را تشدید می‌کند؟ مابه دولتی‌های گوییم شما بحث رفع فقر را در درون صندوقی می‌خواهید بیاورید که اعضای خود آن دچار فقر شدند. هم‌اکنون صدها هزار کارگر ساختمانی دچار مشکل محرومیت از بیمه هستند و حل مشکل‌شان واجب است. حل مشکل این کارگران واجب‌تر است با بیمه کردن اقشاری که هیچ ربطی به این صندوق ندارند و سهم دولت نیز بابت تعهد به بیمه کردن اینها نه تاکنون پرداخته شده و نه در آینده پرداخته خواهد شد؟

**معیار قرار دادن ۵ ساله میانگین برای پرداخت مستمری با این میزان تورم، دست‌درازی به حقوق کارگر است. این تقسیم ثروت نیست بلکه سرقت از جیب بیمه‌شده است**

در قانون نظام جامع تامین اجتماعی از اساس دستگاه‌های امدادی از دستگاه‌های بیمه‌ای تفکیک شده‌اند. چرا این دو بخش و دو دستگاه را می‌خواهند با هم ادغام کنند؟ با سپردن وظایف دستگاه‌های امدادی به دستگاه‌های بیمه‌ای تنها صورت مسئله پاک می‌شود. بسیاری از تعهداتی که از ابتدای انقلاب توسط دولت و مجلس به صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی و در رأس آن سازمان تامین اجتماعی سپرده شده، باید هزینه‌های نپرداخته‌اش به‌روز محاسبه شده و از دولت اخذ شود. مجملات این اقدامات برای کارگران مشکلات زیادی ایجاد کرده و در نهایت مستمری کارگران بازنشسته را کاسته است. دولت خوب می‌داند تورم به گونه‌ای عمل کرده که حقوق سال ۱۳۹۷ کارگران، یک‌هفتم حقوق و دستمزد فعلی آنها بوده پس چرا اصرار به محاسبه پنج سال آخر برای تعیین مستمری دارد؟ این قوانین به صندوق می‌گوید که تنها ۳۰ درصد حقوق بازنشسته را پرداخت کند. این حق ظلمی است که به بازنشستگان می‌رود؟ درست است که افرادی حقوق نجومی را با سوءاستفاده در دو سال آخر که میانگین آن معیار پرداخت حقوق و دستمزد است، واریز می‌کنند و به این ترتیب به منابع سازمان تامین اجتماعی ضربه مهلک وارد می‌کنند اما قاعده روشن است. ما حق دست‌درازی به حق الناس نداریم و باید مشخص شود براساس چه قاعده‌ای در قوانین صندوق‌ها از نظر بدهی و طلب هر صندوق، باید سنجش شود. دولت هم باید ببیند که کسری‌های صندوق‌ها را جبران کند تا بتوان صندوق‌ها را یک کاسه کرد.

البته ما با سیاست صندوق واحد مخالف نیستیم اما بابت تیبات فعلی دولت برای ادغام آنها مخالفیم. برای مثال چرا نباید بیمه‌افراد تحت پوشش کمیته امداد ذیل صندوق بازنشستگی کشوری انجام شود که منابع آن در اختیار دولت است؟ در صندوق‌ها که منابع کارگران و بازنشستگان کارگری بخش خصوصی جمع



برنامه هفتم توسعه در قالب لایحه‌ای به مجلس ارسال شده و ارزش‌های کمیسیون‌های تخصصی قوه مقننه درباره این برنامه آغاز شده است. صرف نظر از ادعاهای اقتصادی این برنامه که مورد نقد کارشناسان است، فصل پنجم این لایحه درباره اصلاحات صندوق‌ها و سن بازنشستگی و همچنین بخشی از بحث‌های فصل ششم و هفتم آن در رابطه با رفاه اجتماعی حاشیه‌ساز بوده است.

**«علیرضا محجوب» دبیرکل خانه کارگر در گفت‌وگو با ایلنا درباره اصلاحات ایسن برنامه در حوزه صندوق‌های بازنشستگی دیدگاه‌هایی ارائه و سیاست‌های مورد اشاره این برنامه را مورد نقد قرار داده است.**

**دولت در فصل پنجم لایحه برنامه هفتم توسعه دست به تغییراتی به نام اصلاحات سنج‌های زده‌از جمله اینکه در مدت پنج سال باید عمیق‌ترین و بی‌سابقه‌ترین اصلاحات در تجمیع و ادغام صندوق‌های بازنشستگی رقم بخورد. به نظر شما این تغییرات تا چه حد قابل اجراء است؟**

اشکال مسئولان سازمان برنامه و بودجه که این برنامه را نوشتم این است که آنها باید بدانند برنامه‌ای بنویسند که عملی باشد. آنها یک بار یک برنامه نوشتند و گفتند که قوانین و ضوابط صندوق‌های بازنشستگی باید یکسان و واحد باشد اما حتی نتوانستند در گذشته (آن هم طی چهار یا پنج سال) به این امر جامه عمل ببوشانند. وقتی ما طی چهار یا پنج سال حتی نتوانستیم صندوق‌های بازنشستگی را از نظر قوانین و ضوابط یکپارچه و یکسان کنیم، چگونه می‌توانیم خود صندوق‌ها با آن شرکت‌ها و اموال و عظمت منابع و ساختار اداری را در طی مدت یک برنامه توسعه پنج‌ساله با هم ادغام و تجمیع کنیم؟ اگر نحوه محاسبات و قوانین صندوق‌های بازنشستگی یکسان بود، دیگر چند صندوق لازم نبود و یک صندوق بازنشستگی کافی بود ولی اگر پانزده نوع مقررات داشته باشیم، این ۱۵ نوع قانون و مقررات بازنشستگی در یک صندوق نمی‌گنجند و با آن چند قانون چرخ صندوق‌ها نمی‌چرخد.

بنابر این در قانون می‌شود نوشت که براساس برنامه توسعه، قوانین و ضوابط صندوق‌ها یکسان شوند اما سخن از ادغام ضربتی صندوق‌ها عجیب است. اگر قوانین واحد درباره بازنشستگان صندوق‌های مختلف داشتیم، این دیگر کاملاً به اختیار دولت بود که براساس قوانین غیر برنامه‌ای، صندوق‌های بازنشستگی را با هم ادغام کند. دولت در چهارچوب قانون برنامه تمام اختیارات ادغام و انحلال صندوق‌ها را به دست گرفته اما اجرای این اختیارات باید مشروط باشد و این شرط این است که مقررات حمایت‌ها و حق بیمه پردازی و... صندوق‌هایی باشد. اگر این مقررات یکسان شود، تازه این صندوق‌ها برای ادغام آماده می‌شوند. البته حجم این صندوق‌ها از نظر بدهی و طلب هر صندوق، باید سنجش شود. دولت هم باید ببیند که کسری‌های صندوق‌ها را جبران کند تا بتوان صندوق‌ها را یک کاسه کرد.

البته ما با سیاست صندوق واحد مخالف نیستیم اما بابت تیبات فعلی دولت برای ادغام آنها مخالفیم. برای مثال چرا نباید بیمه‌افراد تحت پوشش کمیته امداد ذیل صندوق بازنشستگی کشوری انجام شود که منابع آن در اختیار دولت است؟ در صندوق‌ها که منابع کارگران و بازنشستگان کارگری بخش خصوصی جمع

## کارانه برخی پزشکان ۴۰ برابر پرستاران است

دبیرکل خانه پرستار از بی‌عدالتی در نظام درمان کشور انتقاد کرد. به گزارش ایلنا، محمد شریفی مقدم با تاکید بر اینکه آنچه پرستاران را رنج می‌دهد، بی‌عدالتی است، می‌گوید: این بی‌عدالتی ابعاد و رویه‌های مختلف دارد و فقط به نظام پرداخت محدود نمی‌شود. شریفی مقدم ادامه می‌دهد: نظام پرداخت حوزه درمان در کشور ما هیچ کجا سابقه ندارد و منحصر به فرد است. می‌شود گفت این چنین نظام پرداختی با این بی‌عدالتی گسترده تقریباً در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد. وی می‌افزاید: هیچ کجای دنیا اختلاف کارانه پرداختی یک اختلاف ۴۰ برابری نیست اما متأسفانه در کشور ما این اختلاف بزرگ در پرداخت‌ها وجود دارد و کارانه پرداختی به پزشکان ۴۰ برابر کارانه پرداختی به پرستاران است. شریفی مقدم می‌گوید: آیا عدالت است که پزشکان متخصص ۴۰ برابر پرستاران کارانه بگیرند؟ آیا پرستاران فاقد تخصص و کارایی هستند کار کرد آنها برای مسئولان ارزشی ندارد؟ این تفاوت بزرگ، با هیچ یک از معیارهای عدالت و با هیچ یک از استانداردهای جهانی نظام درمان همخوانی ندارد.

**رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس خبر داد: تشکیل جلسه اصلاح مزد کارگران در صورت ادامه تورم**



رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: بعد از تعیین مزد کارگران اعلام کردیم که این میزان حقوق جوایگویی تورم نیست. قرار شد اگر تورمی که در ابتدای سال تجربه کردیم، ادامه داشته باشد نیمه دوم سال، نشستیم جهت اصلاح دستمزد کارگران برگزار شود. ولی اسماعیلی به خبرگزاری تسنیم گفت: با توجه به گشایش‌های اخیر، امیدواریم از تلاطم اقتصادی که در ابتدای سال با آن مواجه بودیم فاصله بگیریم اما اگر شرایط تورمی ادامه داشته باشد، قطعاً جلسه شورای عالی کار برای اصلاح دستمزدها تشکیل خواهد شد.

**نماینده بابل در مجلس: تگرانی کارگران درباره برنامه هفتم توسعه بحق است**

نماینده بابل در مجلس، دغدغه‌های جامعه کارگری و تشکل‌های صنفی بابت لایحه برنامه هفتم توسعه را بر حق دانست و گفت: نمایندگان مجلس، دل‌تگرانی‌های مردم و آحاد کارگران را درک می‌کنند. به گزارش ایلنا، کریمی در دیدار با تشکل‌های کارگری و بازنشستگان استان با اشاره به اینکه مجلس مدافع حقوق مردم به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر و محرومان است، تصریح کرد: لایحه برنامه هفتم به کمیسیون‌های تخصصی ارجاع و پس از طی فرآیندهای مختلف با تامین منافع مردم به تصویب مجلس خواهد رسید.

**مجلس مشکل بیمه کارگران ساختمانی را حل نکرد**

رئیس انجمن صنفی گچ‌کاران ساختمانی استان قم با انتقاد از مصوبه اخیر مجلس در مورد بیمه کارگران ساختمانی که طبق آن اجرای قانون اصلاح ماده ۱۴۰۵ بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۴۰۱ به مدت دو سال متوقف می‌شود، گفت: نمایندگان مجلس پس از چند بار وعده و وعید و چشم‌انظار گذاشتن کارگران ساختمانی برای اصلاح ماده ۱۴۰۵ قانون بیمه، بدون عمل به وعده‌های گذشته، کل صورت مسئله را پاک کردند تا بسیاری از کارگران ساختمانی از حقوق اولیه که همان بیمه است، محروم شوند. داوود کشوری در گفت‌وگو با ایلنا گفت: قبل از سال ۱۳۹۳ قانون بیمه کارگران ساختمانی دچار ایراداتی بود که برای رفع آن، ماده ۱۵ این قانون اضافه شد. همین قانون هم اشکالاتی داشت و بر همین اساس بحث اصلاح ماده ۱۵ این قانون مطرح شد که نمایندگان مجلس چندین بار وعده دادند که این کار انجام شود اما نشد. نمایندگان پاسخ دهند که اگر قرار بود به قانون سال ۱۳۹۳ برگردیم، چرا اصلاحات ماده ۱۵ اصلاح ماده مطرح شد؟

**مرگ یک کارگر ساختمانی بر اثر سقوط از ارتفاع**

یک کارگر ساختمانی در بلوار طالقانی شهر فریدیس واقع در استان البرز، هنگام کار در یک واحد ساختمانی، بر اثر سقوط از ارتفاع به طبقات پایین تر جان باخت. به گزارش ایلنا، این کارگر که حدود ۶۰ سال سن داشت به دلیل عدم استفاده از تجهیزات ایمنی از ارتفاع در بست به پایین سقوط کرده و به دلیل شدت جراحات وارده جان سپرد.